

## ..... هنوز ضرورت تمرین دموکراسی !!

دیروزها با شنیدن اهدای جایزه نوبل به بانو شیرین عبادی به امیدی دل بستیم که حاصل مبارزات سالیان ایشان بود بعلاوه درخشندگی این لوح پیروزی در ارتقاء و جهانی شدن فریاد نقض حقوق بشر در ایران و بدین مناسبت مشعل پیشاهنگی مبارزات را در داخل ایران با چاشنی تهدیدها و ترسها!! که خاص تفکرات طبقاتی مان است بدست وی سپردیم و سنگین تر شدن مسئولیت ایشان را در ادامه روند مبارزه متذکر شدیم و از این بابت هم تمرین دموکراسی کردیم و هم ایشان را در مظان امتحان قرار دادیم که در هر دو صورت راه به خطا نبردیم .

اما امروز ضمن فراموش نکردن ادامه تمرین دموکراسی و از دست ندادن امیدمان به مبارزان راه آزادی در داخل ایران ( زنان و مردان و .. ) و با تاملی آکنده از تجربیات دیربازمان ، بی امانت و قضاوت عجولانه تعادل کفه های ترازوی داوری را با معیارهای نوینی که حاکی از تحولات آن دیروزها تا امروز است می - سنجیم :

سخنرانی های متعدد بانو شیرین عبادی تا کنون معیار مشخص و روند ثابت و عریانی را از موضع ایشان بدست نداده و شاید هنوز خودشان هم تکلیفشان را با این جایزه ( جنبه معنوی آن ! ) و این سنگینی ----- مسئولیت روشن نکرده اند !! اما بسی جای تعجب خواهد بود که مشخصا ایشان، به تئوری اصلاحات که مدتهاست نه تنها شکست خورده بلکه تا سر در منجلاب تداوم رژیم غرق شده، دل بسته باشند و یا صحنه بازانی دورو و خائن چون خاتمی را که وضو با خون دانشجویان و جوانان مبارز، آنها را در لحظاتی که به وی دل بسته بودند گرفت و می گیرد و سر بر دامان ارباب خونخوار خود می مالد و آستان بوسی میکنند..... به دیده اعتماد بنگرد و مشعل مبارزه را در دستان بی کفایت و انسان ستیز این خالقان نکبت و ترس و جنایت رها کرده و شمع امید توده های دل بدریا زده و بی پناه را در گرداب فراموشی و انحراف خاموش کند !!! که صد البته اگر چنین است یا خواهد شد ، چشممان باز بوده و دلمان به مبارزه توده ها و آنوقت است که دیگر باید شمشیرها را از رو بست . اما هنوز ضرورت تمرین دموکراسی حکم می کند که چشم را نبندیم و به این امید قدم برداریم که مردم قاضی باهوش و عادل هستند و واقفند که شیرین عبادی ها اسطوره مبارزه نیستند که سببی هستند و همانطوری که خودشان نیز مصر بوده و اشاره کرده اند قهرمان پروری یعنی مرگ مبارزه برای آزادی !!!!

آری درست است که هنوز برای نتیجه گیری و رای نهائی زود است اما می توان با تداوم بیدارباش ها و -- گوشزدها، با صدای اعتراض و در صحنه بودن و ابراز تشخیص سره از نا سره ، با اخطار و تشویق ، با حمایت و حق توقع داشتن و هر وسیله ای که بوی دموکراسی داده و ریختن آبی به آسیاب دشمنان آزادی و اتحاد نباشد ، از سقوط عبادی ها به دامان پر خون این رژیم و نشخوار کنندگان اصلاح طلبی نگه دارنده تداوم سیستم ، جلوگیری کرد . ما امروز نباید به خودمان اجازه دهیم که شیرین عبادی ها را به پای میز محاکمه بکشانیم و یک شبه محکوم کنیم ، اما بنام یک شهروند که دلش برای مردمش ، برای کودکان در مانده ، مادران بی پناه و خوندل خورده ، جوانان جوانی نکرده می سوزد ، اجازه داریم که بپرسیم :

بانو عبادی یا عبادی ها ، آیا خراب کردن دیوارهای نمود و تنگ زندان انفرادی از موجودیت و واقعیت زندان و زندانی سیاسی می کاهد ??? این سوال و پاسخش در دستور کار شماست !!

آیا وجود حدود ۲۰۰۰ کودک بالای دو سال در زندانها، نوک دماغ خاتمی ها و خاتمی چی ها را قلقلک می دهد؟؟؟؟ نحوه پاسخ به این سوال مسئولیت شماست !!

آیا سرنوشت افسانه نوروژی ها بوئی غیر از زن ستیزی و فورمولی بهتر از زنده بگوری دختران در سابقه اجداد این بی آبروهاست ؟؟؟؟ این واکنش پرچم مبارزه شماست !!

..ویا معامله زندانیان و اسرا، تقلب در انتخابات ، چانه زنی با دولتهای پناهنده پذیر در استرداد متقاضیان پناهجو، توزیع مواد مخدر در مدارس ، به فحشا کشیدن دختران خانواده های تهی دست ، تراج سرمایه ملی ، فرهنگی و.... این ها فریاد شما و امثال شماست بر سر این رژیم و دولتهای بی تفاوت به سرنوشت این ملت !! اینها پرونده دادرسی حقوق بشر در ایران نزد سکان بدستان اهدا کننده و حامی جایزه صلح !! است . بانو شیرین عبادی قهرمان و معجزه گر نیست اما انسانی ست که آگاهانه این مهم را پذیرفته و در این راه نه تنها زمان بلکه حمایت ، انتقاد و امکانات ( نیرو و امید مردم برای آزادی ) می خواهد و ما واقفیم ، اما تا کی ، تا چه میزان و با کدام سنگ اعتماد ؟؟؟؟

حق خواهی مردم و روند تاریخ در جهت مبارزه تا پیروزی هرگز شکست نخورده و وانمانده است ، با یا بدون شیرین عبادی ها !!

اما امیدواریم که بانو عبادی با اعتماد به مبارزات مردم این امانت را (مشعل آزادی و مبارزه ) با افتخار در تاریخ پرونده خود ثبت کنید.

با آرزوی آزادی و برابری  
مجید.م استکهلم - نوامبر ۲۰۰۳  
m.fard@comhem.se